

وقتی گردان بدون فرمانده ماند

۱۴ خرداد ۱۳۹۳ ساعت ۲۲:۱۲

فرمانده گردان که برای بازدید پل رفته بود بر اثر تیر دشمن از ناحیه ران زخمی و به عقب منتقل شد درحالیکه هر لحظه احتمال پاتک دشمن می‌رفت و سر و صدای تانک‌ها به وضوح شنیده می‌شد گردان بدون فرمانده ماند.

وبلاگ امدادگر جبهه‌ها نوشت: من علاوه بر امدادگری قبل از آن بی سیم چی بودم، همزمان با عملیات طریق القدس در بستان قرار بود در دشت عباس عملیات صورت پذیرد و به دلایلی انجام نشد.

صبح عملیات به دزفول آمدم و ستاد ذخیره سپاه و عصر همراه تعدادی از برادران ذخیره و بسیجی به فرماندهی شهید هودگر به اهواز و سوسنگرد رفتیم و در قالب گردان خرمشهر به فرماندهی برادر نورانی تابع تیپ کربلا سازماندهی شدیم.

به پل سابله رفتیم و چون گردان بیسیم چی نداشت من بیسیم چی گردان خرمشهر شدم و برادر شهید جوان (از رزمندگان خرمشهری) کمک بیسیم چی شدند و ما در زیر پل سیمانی جاده مستقر شدیم.

جانشین فرمانده گردان بر اثر ترکش خمپاره زخمی شد و من بدون امکانات و با پاره کردن زیر پوش سفید ایشان را پانسمان کردم و در حین انتقال به شیراز به شهادت رسیدند.

فرمانده گردان هم که برای بازدید پل رفته بود بر اثر تیر دشمن از ناحیه ران زخمی و جانباز به عقب منتقل شد و گردان بدون فرمانده ماند.

درحالیکه هر لحظه احتمال پاتک دشمن می‌رفت و سر و صدای تانک‌ها به وضوح شنیده می‌شد و ما به گردان آماده باش دادیم.

وضعیت را مرتب پیگیری می‌کردیم و گزارش می‌دادیم و شب به نوبت مسئولیت بی‌سیم را به عهده داشتیم، در خواب عمیق بودم که کسی من را به زور بیدار کرد و در اولین نما درحالت خواب آلود در تاریکی زیر پل فردی با ریش‌های سیاه و دراز دیدم و راستش ترسیدم نکند عراقی باشد.

آن مرد با لهجه غلیظ اصفهانی مرا سرزنش می کرد که چرا به بی سیم جواب نمی دهی و بعد از آرام گرفتن به ایشان گفتم که نوبت من نبوده و باید برادر جوان جواب می داده که ظاهراً ایشان نیز خواب رفته بود؛ ما دو نفر جوان کم سن و سال فقط در سنگر فرماندهی گردان (پل زیر جاده ای) بودیم.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۵۰۱۴/ماند-فرمانده-بدون-گردان-وقتی/۳۵۰۱۴>